

حکم اذان قبل از طلوع فجر

○ جعفر سبحانی

چکیده

نویسنده در سفری به مکه و مدینه، شاهد اذان گفتن برادران اهل سنت، یک ساعت قبل از طلوع فجر بوده است و پس از آنکه علت آن را از یکی از علمای بزرگ مکه جویا می شود، وی به روایتی در صحیح بخاری استدلال می کند که بلال در عصر پیامبر (ص) قبل از طلوع فجر اذان می گفته است. سپس نویسنده با بررسی روایت مورد اشاره و دیگر روایات اهل سنت، همچنین آراء فقیهان مذاهب اهل سنت به این نتیجه می رسد که اذان قبل از طلوع فجر در روایات، تنها در ماه رمضان اتفاق افتاده و برای بیدار کردن مردم و آمادگی برای نماز صبح و گرفتن روزه بوده است. بلکه از برخی روایات نتیجه می گیرد که عباراتی را که بلال یا ابن ام مکتوم پیش از طلوع فجر برای این منظور به کار می برده اند فقط فصولی از اذان بوده است. در نهایت نویسنده فتوا به جواز اذان قبل از طلوع فجر - به خصوص در غیر ماه رمضان - را خلاف احتیاط دانسته است.

کلید واژگان: سحر؛ طلوع فجر؛ اذان؛ بلال؛ ابن ام مکتوم؛ ماه رمضان.

در سال ۱۳۷۵ هـ. ق که به زیارت خانه خدا مشرف شده بودیم در مکه و مدینه یک ساعت یا بیشتر قبل از طلوع فجر، صدای اذان بلند می شد، در حالی که اذان شرعی صبح، هنگام

طلوع فجر است، بر آن شدم که در این زمینه به دوست عزیزم، شیخ عبدالوهاب ابراهیم ابو سلیمان، از علمای بزرگ مکه مکرمه، نامه ای بنویسم و طی آن از دلیل این مطلب سوال کنم. او در پاسخ، دلیل جواز این عمل را روایتی که در صحیح بخاری وارد شده، ذکر کرد:

لایمَنعُ أَحَدُکُمْ - أَوْ أَحَدًا مِنْکُمْ - أَذَانُ بِلَالٍ مِنْ سَحُورِهِ، فَإِنَّهُ يُوْذَنُ بِلَيْلٍ، لِيَرْجِعَ قَائِمًا وَلِيَنْتَبِهَ نَائِمًا، وَلَيْسَ أَنْ يَقُولَ: الْفَجْرُ، أَوْ الصَّبْحُ ...^۱

اذان بلال مانع شما از خوردن سحری نشود؛ زیرا هنوز شب است که او اذان می گوید تا کسانی که به نماز مشغولند دست بکشند و کسانی که خوابند بیدار شوند. وی نمی گوید: فجر دمید یا صبح شد ...

اینک برای روشن شدن موضوع، به بررسی سخنان فقها و روایاتی که در این زمینه وارد شده، می پردازیم:

شیخ طوسی (ره) می گوید:

گفتن اذان قبل از طلوع فجر جایز است، اما شایسته است که پس از طلوع فجر اعاده شود. شافعی نیز چنین گفته، با این تفاوت که وی اضافه کرده: سنت پیامبر (ص) گفتن اذان صبح قبل از طلوع فجر است، بهتر است پس از طلوع فجر نیز اعاده شود، اما اگر اعاده نشد و به همان اذان اوّل اکتفا شد، کافی است. مالک، اهل حجاز، اوزاعی، اهل شام، ابویوسف، داوود، احمد، اسحاق و ابو ثور هم همین را گفته اند. گروهی هم گفته اند: جایز نیست که برای اذان صبح همچون دیگر نمازها، قبل از دخول وقت آن اذان گفته شود. ثوری، ابوحنیفه و اصحاب او چنین گفته اند.^۲

علامه حلی (ره) گفته است:

به دلیل اجماع علمای اسلام، در غیر از نماز صبح، گفتن اذان قبل از دخول

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۳، باب الاذان قبل الفجر.

۲. الخلاف فی الاحکام، ج ۱، ص ۲۶۹.

وقت، جایز نیست؛ زیرا اذان برای آگاه کردن مردم به دخول وقت نماز است؛ بنابراین قبل از دخول وقت نماز، اذان جایز نیست. اما اذان صبح قبل از دخول وقت، رخصت داده شده، ولی بایستی پس از دخول وقت اعاده شود. شافعی، مالک، اوزاعی، احمد، اسحاق، ابو ثور، داوود و ابویوسف نیز چنین گفته اند. ابوحنیفه و ثوری گفته اند:

گفتن اذان صبح جز پس از دخول وقت نماز، جایز نیست.^۳

صاحب جواهر گفته است:

اکثر علمای شیعه، تقدیم اذان صبح را قبل از دخول وقت، روا داشته اند، بلکه در معتبر عبارت: «عندنا»؛ یعنی: «نزد ما شیعیان» و در منتهی عبارت: «عند علمائنا»؛ یعنی: «نزد علمای شیعه» در این باره آمده است ...

ممکن است اذان گفتن قبل از دخول وقت نماز صبح به طور مستقل و نه برای نماز صبح تشریع شده تا مردم در مثل ماه رمضان برای نماز و روزه آماده شوند؛ مانند تشریع اذان در گوش نوزاد و امثال آن. شاید ظاهر عبارتی از کتاب «ذکری» نیز چنین باشد. ظاهر سخن علامه در «مختلف» و غیر آن نیز همین است.

با این بیان چه بسا معلوم شود نزاع در این مسأله، لفظی است؛ به این صورت که سخن فقیهانی را که به عدم جواز اذان قائل شده اند، همچون جعفری،^۴ ابن جنید، تقی الدین حلبی، ابن ادریس و سید مرتضی - که از ظاهر کلام سید مرتضی اجماع فقها بر عدم جواز استفاده می شود - بر اذان نماز حمل کنیم، و سخن کسانی را که به جواز قائل شده اند، بر مشروعیت آن به طور مستقل و نه برای نماز، حمل کنیم. اما این توجیه با این سخن مصنف و دیگران که گفته اند:

«مستحب است پس از طلوع فجر، اذان، اعاده شود»، سازگار نیست ...

ظاهر برای زمان تقدم اذان بر طلوع فجر، اندازه خاصی مثل یک ششم شب و

۳. تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۷۸.

۴. ابوالفضل صابونی جعفری (م).

امثال آن، معین نشده است، در روایات آمده که فاصله میان اذان ابن ام مکتوم و

اذان بلال این اندازه بوده که بلال پایین می آمده و ابن ام مکتوم بالا می رفت.^۵

در «الموسوعة الفقهية الكويتية» آمده است:

مالك، شافعی و احمد و ابویوسف از فقهای حنفی، قائلند که گفتن اذان قبل از

نماز صبح جایز است. وقت آن نزد شافعیان و حنبلیان و ابویوسف، در نیمه دوم

شب، و نزد مالکیه در یک ششم اخیر شب است. همچنین مستحب است که بعد

از دخول وقت نماز، دوباره اذان گفته شود؛ زیرا پیامبر (ص) فرمود:

«انْ بَلَّالًا يُؤْذِنُ بِلِيلٍ فَكُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يُوْذَنَ ابْنُ امِّ مَكْتُومٍ»

همانا بلال اذان صبح را در شب می گفت، پس بخورید و بیاشامید تا این که پسر

ام مکتوم اذان گوید.

حنفیه - به جز ابویوسف - معتقدند که اذان صبح، به جز پس از دخول وقت نماز

صبح جایز نیست. در این زمینه فرقی بین نماز صبح و دیگر نمازها نیست؛ زیرا

شداد مولای عیاض بن عامر، روایت کرده که پیامبر (ص) به بلال فرمود:

«لَا تُؤْذِنُ حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ الْفَجْرُ»^۶

اذان نگو تا این که فجر طلوع کند.

در دیگر کتابهای فقهی نیز عبارات مشابهی یافت می شود. مهم بررسی روایات

است، بخاری در روایت در این زمینه ذکر کرده است:

۱. از عبدالله بن مسعود از پیامبر (ص) روایت شده که:

«لَا يَمْنَعَنَّ أَحَدُكُمْ - أَوْ أَحَدًا مِنْكُمْ - أَذَانَ بِلَالٍ مِنْ سَحْوَرَةٍ؛ فَإِنَّهُ يُؤْذِنُ - أَوْ يَنَادِي -

بِلِيلٍ لِيَرَّجَعَ قَائِمَكُمْ وَلِيَنْبَهَ نَائِمَكُمْ وَ لَيْسَ أَنْ يَقُولَ: الْفَجْرُ (أو الصبح)؛

اذان بلال مانع شما از خوردن سحری نشود؛ زیرا هنوز شب است که او اذان

می گوید - یا ندا می دهد - تا کسانی که به نماز مشغولند دست بکشند و کسانی که

۵. جواهر الکلام، ج ۹، ص ۷۷ - ۸۱.

۶. الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۲، ص ۳۶۳.

خوابند بیدار شوند و نمی گوید: فجر یا صبح شد...

۲. ابن عمر از پیامبر نقل کرده که:

«انّ بلالاً یؤذن بلیل، فکلوا واشربوا حتّی یؤذن ابن امّ مکتوم؛

همانا هنوز شب است که بلال اذان می گوید، پس بخورید و بنیاشامید تا این که

پسر امّ مکتوم اذان گوید.

روایت دیگری از عایشه با همین الفاظ روایت دوم نقل شده است.^۷

استدلال به دو روایتی که بخاری در این زمینه نقل کرده، از مشروعیت بخشیدن به

اذان یک ساعت یا بیشتر قبل از صبح در همه سال، قاصر است.

اینک توضیح مطلب:

۱. نهایت چیزی که این روایات نشان می دهند، جواز اذان قبل از طلوع فجر در ماه

رمضان است، اما جواز آن در غیر ماه رمضان، از این روایات استفاده نمی شود؛ زیرا بین

دلیل لفظی و دلیلی لّبی که لفظی از جانب رسول خدا(ص)، در آن وارد نشده، فرق

است. چیزی که از طرف رسول خدا(ص) در این زمینه صادر شده، این است که

پیامبر(ص) عملی را که در حضور او از صحابه صادر شده، تأیید کرده و به آن اعتراضی

نکرده است در دلیل لفظی می توان به اطلاق دلیل تمسک کرد؛ اما در دلیل لّبی - که محل

بحث ما است - باید به قدر متیقن در همان مورد اکتفا شود. به عبارت دیگر، فرق است بین

این که پیامبر(ص) بفرماید: یجوز الاذان قبل الفجر؛ یعنی اذان گفتن قبل از طلوع فجر جایز

است، که در این مورد به اطلاق آن استناد می شود، این که یکی از صحابه در شرایط

خاصی و در حضور پیامبر(ص)، قبل از طلوع فجر اذان گوید و حضرت(ص)، آن را تأیید

و امضا کند، که در این مورد بایستی به همین عمل در آن شرایط اکتفا شود.

براین اساس اذانی که بلال قبل از طلوع فجر می گفت و پیامبر هم به آن اعتراضی

نکرد، در ماه رمضان اتفاق افتاده است و در حالی بوده که مردم بیدار و برخی در حال تهجد

و برخی دیگر در حال خوردن سحری و یا آماده نماز بوده اند. در چنین شرایطی گفتن

۷. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۳، باب «الاذان قبل الفجر».

اذان، قبل از طلوع فجر جایز است. اما تعمیم این کار به تمامی ماهها و درحالی که مردم در شرایط فوق الذکر نبوده اند، نیازمند به دلیل است. بنابراین نمی توان به دلیلی که فاقد زبان است تمسک کرد و در چنین مواردی بایستی به قدر متیقن اکتفا شود.

۲. اذان بلال، اندکی قبل از طلوع فجر بوده و فاصله زمانی بین اذان و طلوع فجر بسیار اندک بوده است، به طوری که برخی مردم تصور می کردند که صبح شده است، در اینجا پیامبر آگاهی می دهد که اذان بلال دلیل طلوع فجر نیست. بنابراین اگر عمل اصحاب دلیل بر جواز باشد، در حد همین مدت دلالت دارد نه این که حتی اگر فاصله زمانی اذان و فجر یک ساعت باشد، - همچنان که اینک چنین است - باز هم جایز باشد. از این رو ابن حجر در «فتح الباری» از ابن دقیق نقل می کند:

شرایط به گونه ای بوده که اذان بلال این شبهه را ایجاد می کرده که این اذان به هنگام طلوع فجر گفته شده است. لذا پیامبر (ص) می فرماید: این کار بلال مانع خوردن و آشامیدن نیست، بلکه تنها طلوع فجر صادق است که مانع این امور می شود و این نشان می دهد که وقت اذان بلال نزدیک صبح بوده است ... حکمت مشروعیت این اذان، یعنی آمادگی برای درك نماز صبح در اوّل وقت، نیز همین معنا را تقویت می کند.^۸

۳. احتمال زیاد دارد که بلال برخی فصول اذان را ندا می داده، نه تمام فصول آن را؛ زیرا غرض از این کار، همانگونه که در روایت مزبور تصریح شده، این بوده که: کسانی که مشغول تهجدند، دست بکشند و کسانی که خوابند بیدار شوند. عینی در تفسیرش این روایت را چنین تفسیر کرده است:

بلال به این دلیل قبل از دخول وقت نماز صبح اذان می داده تا به مردم بفهماند که صبح نزدیک است تا کسانی که مشغول تهجدند دست بکشند و اندکی استراحت کنند و در وقت نماز صبح با نشاط باشند و آنان که خوابند، بیدار شده و برای مقدمات نماز صبح آماده شوند.^۹ این

۸. فتح الباری، ج ۲، ص ۱۰۶.

۹. عمدة القاری، ج ۵، ص ۱۳۴.

غرض، با انجام برخی فصول اذان، تحقق می‌یابد و نیازی به همه اذان نیست. از این جهت ملاحظه می‌کنیم در نقل این روایت اختلاف است؛ برخی آن را با لفظ «ینادی» و برخی با لفظ «یؤذن»؛ نقل کرده‌اند.

بخاری در باب اذان بعد از فجر، از عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود:

«انْ بَلَّالاً یُنَادِی بِلَیْلِ، فَكَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى یُنَادِیَ ابْنَ اُمِّ مَكْتُومٍ»^{۱۰}

بلال در شب ندا سر می‌دهد، پس بخورید و بیاشامید تا این که پسر امّ مکتوم ندا دهد.

شاید تعبیر به ندا در این روایت و عدول از واژه اذان، اشاره به این مطلب باشد که آنچه بلال انجام می‌داده، اذان حقیقی که شامل همه فصول آن باشد، نبوده است، بلکه بلال برخی فصول اذان را انتخاب و به آنها ندا می‌داده است. آری اذان ابن امّ مکتوم، اذان واقعی بوده و دلیل این که از عمل او هم به ندا تعبیر شده این است که کار او در ضمن سیاق عمل بلال قرار گرفته است. از این رو ملاحظه می‌کنیم که ابن عباس همین روایت را به دو صورت نقل کرده و چنین می‌گوید: او در شب اذان می‌گوید یا ندا می‌دهد.

۴. حنفیه معتقدند که قبل از وقت نماز صبح، اذان تشریع نشده است و حتی برخی از آنان گفته‌اند: کاری که بلال انجام می‌داده، ندا بوده نه اذان؛ بنابراین آیا بهتر نیست که این اذان ترك شود و به انجام آن تنها در ماه رمضان اکتفا شود؟

در باره دو حدیث فوق، دو نکته از جهتی دیگر وجود دارد:

نکته اول: ابن امّ مکتوم، نابینا بوده در حالی که بلال بینا بوده است. بر این اساس مقتضای حال این است که اذان قبل از فجر به ابن امّ مکتوم نسبت داده شود و اذان به هنگام فجر، به بلال. این نکته نشان می‌دهد که حدیث مزبور بر وجهی غیر صحیح نقل شده است. دلیل این مطلب روایات زیر است:

۱. نسایی در سنن به سند خود از حبیب بن عبدالرحمن از عمه اش انیسه نقل کرده

۱۰. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۳، باب «اذان قبل الفجر».

است که رسول خدا (ص) فرمود:

إذا اذن ابن أم مكتوم فكلوا واشربوا وإذا اذن بلال فلا تاكلوا ولا تشربوا؛^{۱۱}
هرگاه ابن ام مکتوم اذان گفت، بخورید و بیاشامید، اما وقتی بلال اذان گفت،
نخورید و نیاشامید.

۲. احمد بن حنبل در مسند به سند خود از حبيب نقل کرده است:

سمعت عمي يقول: ان ابن ام مكتوم ينادي بليل فكلوا واشربوا حتى ينادي بلال؛
از عمه ام شنیدم که می گفت: همانا ابن ام مکتوم در شب اذان می گفت، پس
بخورید و بیاشامید تا این که بلال اذان بگوید.^{۱۲}

۳. همین روایت را بیهقی در سنن به سند خود از زید بن ثابت نقل کرده که رسول
خدا (ص) فرمود:

ان ابن ام مكتوم يؤذن بليل فكلوا واشربوا حتى يؤذن بلال؛^{۱۳}
همانا ابن ام مکتوم در شب اذان می گوید، پس بخورید و بیاشامید تا این که بلال
اذان گوید.

۴. همین روایت را زیلعی در «نصب الراية» از ابن خزيمة در صحیحش به سند خود از
عایشه نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود:

ان ابن ام مكتوم ينادي بليل فكلوا واشربوا حتى يؤذن بلال و كان بلال يؤذن حتى
يطلع الفجر؛

ابن ام مکتوم در شب ندا می دهد، پس بخورید و بیاشامید تا بلال اذان گوید.
بلال هیچ گاه اذان نمی گفت تا این که صبح شود.^{۱۴}

این مطلب را روایاتی که از اهل بیت (ع) نقل شده تأیید می کنند. در این روایات آمده است

۱۱. سنن نسائی، ج ۲، ص ۱، باب اهل یؤذنان جمیعاً او فرادی.

۱۲. مسند احمد، ج ۶، ص ۳۳۳.

۱۳. سنن بیهقی، ج ۱، ص ۳۸۲.

۱۴. نصب الراية، ج ۱، ص ۲۸۹.

که ابن امّ مکتوم، قبل از فجر اذان می گفته و بلال فقط به هنگام فجر اذان می گفته است.

کلینی به سند خود در «کافی» از حلبی نقل کرده است:

از امام صادق (ع) در باره «الخطیب الأبيض من الخطیط الاسود» پرسیدم، فرمود:

بیاض النهار من سواد اللیل؛ یعنی مراد از این آیه، سفیدی روز از سیاهی شب

است. امام اضافه فرمود: و کان بلال يؤذن للنبي (ص) و ابن امّ مکتوم - و کان

أعمى - يؤذن بلیل و يؤذن بلال حين یطلع الفجر، فقال النبي (ص): إذا سمعتم

صوت بلال فادعوا الطعام و الشراب فقد أصبحتم؛^{۱۵} بلال مؤذن پیامبر (ص) بود

و ابن امّ مکتوم - که نابینا بود - در شب اذان می گفت و بلال به هنگام طلوع فجر

اذان می گفت و پیامبر (ص) می فرمود: هرگاه صدای اذان بلال را شنیدید از

خوردن و آشامیدن دست بردارید که صبح شده است.

همین روایت را صدوق در «من لایحضره الفقیه»^{۱۶} و شیخ طوسی در «تهذیب» نقل

کرده اند.^{۱۷}

نکته دوم: اگر صحیح باشد که اذان قبل از طلوع فجر از طرف ابن امّ مکتوم و اذان

دوم از طرف بلال انجام می شده، ممکن است کسی بگوید: عمل ابن امّ مکتوم دلیل

نمی شود که عمل او مورد تأیید و امضای پیامبر (ص) بوده است؛ زیرا او فردی نابینا بوده و

نابینا گاه بی اختیار در تشخیص وقت اذان اشتباه می کند و خداوند هم فرموده است: «لیس

علی الاعمی حرج»^{۱۸}؛ یعنی بر نابینا حرجی نیست» و ممکن است سکوت پیامبر (ص) و

متعرض و مانع نشدنش، برای این بوده که مفسده ای بر عمل او مترتب نبوده، زیرا اعتماد

مردم بر اذان بلال مستقر بوده است.

تمام آنچه گفتیم بر مبنای روایات اهل سنت بود، اما بر مبنای احادیث امامان اهل بیت (ع)

۱۵. الکافی، ج ۴، ص ۹۸، ح ۳.

۱۶. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۹۰۵.

۱۷. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۳۱۵.

۱۸. نور، آیه ۶۱.

می‌بایست بگوییم: از ظاهر کلمات شیخ طوسی در «خلاف»^{۱۹} و محقق در «معتبر»^{۲۰} و علامه در «منتهی»^{۲۱} اتفاق فقهای شیعه بر جواز اذان قبل از فجر، استفاده می‌شود. اما این ادعای اتفاق، تمام نیست؛ زیرا ابن جنید و سید مرتضی و ابوصلاح و ابن ادریس^{۲۲} با دیگر فقهای شیعه در این زمینه مخالفت کرده‌اند و حتی ممکن است از ظاهر کلام سید مرتضی، اجماع فقها بر عدم جواز استفاده شود. بنابراین بر نقل این گونه اجماعات، اعم از مجوزین و مانعین، اعتمادی نیست. مهم این است که به روایات وارده در این زمینه نظر کنیم. اینک روایاتی که بر جواز دلالت دارند:

۱. ابن سنان، در روایت صحیحی‌ای از امام صادق(ع) نقل می‌کند که به او عرض کردم: ما مژذنی داریم که در شب اذان می‌گویند، نظر شما راجع به آن چیست؟ امام(ع) فرمود:

أَمَّا أَنْ ذَلِكَ يَنْفَعُ الْجَمْعَ لِقِيَامِهِمْ إِلَى الصَّلَاةِ، وَأَمَّا السَّيِّئَةُ فَيَنْبَغُ أَنْ يَنْتَهِىَ عَنْهَا
الفجر؛^{۲۳}

البته این کار به نفع همسایگان است؛ زیرا برای نماز به پای می‌خیزند، اما سنت پیامبر(ص) این بوده که با طلوع فجر برای نماز ندا می‌داده است.

۲. ابن سنان همچنین از امام صادق(ع) روایت کرده که در باره ندا دادن قبل از طلوع فجر، فرمود:

لَا بَأْسَ، وَأَمَّا السَّيِّئَةُ مَعَ الْفَجْرِ، وَأَنَّ ذَلِكَ لِيَنْفَعُ الْجَمْعَ (یعنی قبل الفجر)^{۲۴}؛
اشکالی ندارد، اما سنت، ندا دادن در وقت طلوع فجر است، ولی آن کار (یعنی قبل از فجر) برای همسایگان مفید است.

۱۹. الخلاف، ج ۱، ص ۲۶۹.
۲۰. المختصر فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۱۳۸.
۲۱. منتهی المطلب، ج ۱۱، ص ۴۲۵.
۲۲. جواهر الکلام، ج ۹، ص ۸۹.
۲۳. وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۸ از ابواب اذان و اقامه، ح ۷.
۲۴. همان، ح ۸.

مخفی نماند که لحن حدیث بیشتر بر عدم جواز ظهور دارد؛ زیرا اذان قبل از فجر مقابل سنت به شمار آمده و برای جواز چنین استدلال می‌کند که با این کار همسایگان برای نماز از خواب بیدار می‌شوند. این شیوه بیان نشان می‌دهد که شرایط، اجازه نمی‌داده که امام به عدم جواز، تصریح کند و روایات زیر این مطالب را تأیید می‌کنند:

۱. معاویه بن وهب طی حدیثی از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود:

لانتظر باذانك وإقامتك إلا دخول وقت الصلاة؛^{۲۵}

اذان و اقامه آن را جز پس از دخول وقت نماز انجام نده.

۲. عبدالله بن سنان حدیثی را از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود:

كان رسول الله (ص) يقول لبلال إذا دخل الوقت: «يا بلال اعل الجدار و ارفع صوتك بالاذان»؛^{۲۶}

رسول خدا (ص) هرگاه وقت نماز می‌شد به بلال می‌فرمود: «بلال بالای دیوار برو و با صدای بلند اذان بگو».

لحن حدیث نشان می‌دهد که پیامبر (ص) به اذان بلال در مقابل اذان ابن ام مکتوم اهمیت می‌داده است.

تمامی اینها فقیه را ترغیب می‌کند که به جواز فتوا ندهد و برای بیدار کردن مردم برای نماز از وسایل دیگری استفاده شود. بنابراین احوط و اولی ترك اذان گفتن قبل از طلوع فجر و اکتفا نمودن به یک اذان آن هم به هنگام طلوع فجر است.

نهایت چیزی که ممکن است گفته شود این که: در خصوص ماه مبارك رمضان، چند دقیقه قبل از طلوع فجر، اذان گفتن جایز است، چنانکه مورد حدیث بود و نایستی از آن تجاوز کرد، اما قیاس دیگر ماهها با ماه رمضان درست نیست؛ زیرا پیش تر گفتیم که میان این ماه با دیگر ماهها فرق است.

۲۵. وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۸ از ابواب اذان و اقامه، ح ۱.

۲۶. همان، ح ۵.